

فرهاد با دیدن نوزاد کوچکش اشک شوق می‌ریخت. این زیباترین اتفاق زندگی‌اش بود. یلدای کوچک و شیرین، گرما بخش زندگی آرزو و فرهاد شده بود. روزها از پی هم سپری و یلدای کوچولو روز به روز بزرگ‌تر می‌شد. جشن تولد ۳ سالگی یلدا در منزل پدر بزرگ برگزار شد. این فرشته کوچک، شیرینی زندگی آن دو بود اما... افسوس که این شیرینی خیلی زود به تلخی مبدل شد. آن‌ها در طبقه دوم منزل پدر و مادر فرهاد زندگی می‌کردند. روز اول دی ماه ۱۳۹۸ یلدا کوچولو پس از برگزاری مراسم جشن تولدش از پدر خواست که به خانه خودشان بروند. وقتی به همراه فرهاد به طبقه بالا آمد از او خواست که اجازه بدهد تلویزیون تماشا کند. فرهاد که دید یلدا مشغول تماشای برنامه کودک است یادش آمد که تلفن همراهش را در منزل پدر بزرگ جا گذاشته است و به طبقه پایین برگشت. آرزو در منزل پدر بزرگ مشغول شستن ظروف بود. سر و صدای تخریب و بنایی ساختمان دیوار به دیوار چند دقیقه‌ای بود که افزایش یافته بود. صدای سقوط دیوارها و اشیای سنگین به گوش می‌رسید. فرهاد مشغول صحبت با تلفن بود.

۲۰ دقیقه بعد که آرزو و فرهاد به خانه خود برگشتند، دخترشان را جلوی تلویزیون ندیدند. آرزو گفت، لابد به اتاقش رفته و روی تخت خوابیده است. هر دو با هم به اتاق یلدا سر زدند و با صحنه‌ای دلخراش مواجه شدند. کمد اسباب‌بازی روی یلدا افتاده بود. وقتی او را بیرون کشیدند لباسش سرخ و صورتش رنگ پریده بود.

\* اگر پدر یلدا کودکش را تنها در منزل رها نکرده بود این حادثه شوم هرگز رخ نمی‌داد.

\* ایمنی منزل و چیدمان صحیح وسایل در پیشگیری از بروز سوانح و حوادث بسیار مهم است. اگر کمد در جای خود ثابت و محکم بود، هرگز شاهد این اتفاق ناگوار نبودیم.

این داستان بر اساس یک ماجرای واقعی که در شهر خرم‌آباد استان لرستان اتفاق افتاده، نوشته شده است.

سناریوی مرگ کودک ۳ ساله

# یلدا



**رحیمه غلامی**

کارشناس برنامه کودکان و احد سلامت  
خانواده دانشگاه علوم پزشکی لرستان

به این موضوع امتیاز دهید (۱ تا ۱۰). کد موضوع ۱۰۵۳۱۳ پیامک ۳۰۰۰۷۲۷۳۱۰۰۰۱. نحوه امتیاز دهی: امتیاز - شماره مقاله. مثال: اگر امتیاز شما ۸۰ باشد (۸۰ - ۱۰۵۳۱۳)